

به نام خدا

تکنیک های نوین مدیریت آموزشی در مدارس

مؤلف :

محمد بنی سرتنگی

انتشارات شرفی

(با همکاری سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۲)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه: بنی سرتنگی، محمد، ۱۳۶۶
عنوان و نام پدیدآور: تکنیک های نوین مدیریت آموزشی در مدارس / مولف محمد بنی سرتنگی.
مشخصات نشر: انتشارات شرفی (با همکاری سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری: ۱۱۱ ص.
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۶۷۰-۸۴-۵
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
موضوع: مدارس - مدیریت آموزشی - تکنیک های نوین
رده بندی کنگره: PN۲۲۰۱
رده بندی دیویی: ۸۰۹/۲۵۶
شماره کتابشناسی ملی: ۹۴۹۳۸۶۹
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

نام کتاب: تکنیک های نوین مدیریت آموزشی در مدارس
مولف: محمد بنی سرتنگی
ناشر: انتشارات شرفی (با همکاری سازمان چاپ و نشر ایران)
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۲
چاپ: زیر جلد
قیمت: ۱۱۲۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان:
<https://chaponashr.ir/ketabresan>
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۶۷۰-۸۴-۵
تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



فهرست مطالب

صفحه

عنوان

۵.....	فصل اول: تعاریف
۱۰.....	تحولات دوران قاجار و پهلوی
۱۲.....	اصلاحات آموزش و پرورش پس از انقلاب
۱۴.....	ظهور مؤسسات آموزشی مدرن
۱۷.....	تأثیر جهانی شدن بر مدارس ایران
۲۰.....	تعامل فرهنگ و مدیریت
۲۳.....	فصل دوم: جایگاه مدیریت در آموزش
۲۵.....	سبک های رهبری و تأثیرات آنها
۲۷.....	چالش رهبری در یک محیط چند فرهنگی
۳۰.....	ایجاد اعتماد در جوامع آموزشی
۳۲.....	مدیریت رویایی برای آینده
۳۴.....	پاسخگویی به چالش ها و انتقادات
۳۷.....	توانمندسازی دیگران: مدیریت توزیع شده در عمل
۴۱.....	فصل سوم: مدیریت اجرایی در حوزه آموزش
۴۳.....	روندهای مدرن در طراحی برنامه درسی
۴۵.....	پرداختن به نیازهای فراگیران متنوع
۴۸.....	گنجاندن فناوری در برنامه درسی
۵۰.....	حصول اطمینان از ارتباط و احترام فرهنگی
۵۲.....	ارزشیابی و اصلاح رویکردهای برنامه درسی
۵۴.....	آمادگی برای آزمون های ملی و استاندارد
۵۷.....	پاسخگویی به روندهای آموزشی جهانی
۶۱.....	فصل چهارم: نوآوری های مدیریتی در آموزش
۶۳.....	استفاده از تجزیه و تحلیل داده ها برای بهبود تصمیم گیری
۶۶.....	واقعیت مجازی و واقعیت افزوده در کلاس های درس
۶۸.....	ارزیابی آنلاین و مکانیزم های بازخورد
۷۰.....	چالش شکاف دیجیتال در ایران
۷۲.....	آداب دیجیتال و نگرانی های امنیت سایبری

۷۴	تربیت معلم برای عصر دیجیتال
۷۶	چشم اندازهای آینده: هوش مصنوعی و یادگیری ماشینی در آموزش
۷۹	فصل پنجم: نظام های آموزشی مدرن
۸۱	تأثیر متقابل سیاست و آموزش
۸۳	استانداردسازی در مقابل انعطاف پذیری در سیاست ها
۸۵	رسیدگی به نابرابری ها و چالش های دسترسی
۸۷	پاسخگویی به هنجارهای آموزش بین المللی
۹۰	اعتباربخشی مدرسه و تضمین کیفیت
۹۲	متعادل کردن استقلال و تمرکز
۹۴	ملاحظات اخلاقی در سیاست گذاری
۹۷	فصل ششم: مدیریت منابع
۹۹	بودجه و استراتژی های برنامه ریزی مالی
۱۰۱	جستجوی کمک های مالی و کمک های مالی خارجی
۱۰۳	استفاده کارآمد از منابع و صرفه جویی در هزینه
۱۰۷	منابع و مآخذ

فصل اول

تعاریف

در مورد ذاتی یا اکتسابی بودن مدیریت نظرهای متفاوتی توسط گذشتگان ارائه شده است. بعضی صفات و توانایی‌های مدیریت و رهبری را ذاتی دانسته و تقدیر الهی می‌دانند که فردی را برای رهبری خلق می‌کند و برخی بראکتسابی بودن صفات رهبری تکیه دارند. ویژگی‌هایی مانند سلامت جسمی، شهامت، تحمل، صبر، تواضع، ایثار، عفو، شجاعت، هوش بالا، فرهی، قوت اراده، اعتماد به نفس، مصمم بودن و امانت‌داری را عامل مدیریت و رهبری در افراد می‌دانند.

با توجه به این که بسیاری از صفات مدیریت و رهبری اکتسابی و بر اثر تجربه تکامل پیدا می‌کنند و از طرف دیگر افرادی با هوش بالا نه تنها نتوانسته‌اند در دیگران نفوذ کنند، بلکه مشکل ارتباطی نیز داشته‌اند و هم‌چنین بسیاری از افرادی که در مدیریت نیز نبودند چنین صفاتی داشتند، می‌توان گفت مدیریت و رهبری صرفاً ذاتی نیست. اگر چه اعتقاد به ذاتی بودن ویژگی‌های مدیریت از قطعیت افتاده است، مع‌ذالک هر کسی نمی‌تواند بدون داشتن زمینه‌ها، استعدادها و قابلیت‌هایی به رهبری یا مدیریت بپردازد. داشتن استعداد یادگیری، شناخت و تطبیق با محیط می‌تواند عاملی برای کسب موفقیت در مدیریت به حساب آید.

بهترین صفاتی که در رهبران یا مدیران غالباً وجود دارد، هوش، برون‌گرایی، اعتماد به نفس و دل‌سوزی است. از این صفات غیر از عامل هوش، بقیه‌ی صفات از قابلیت تعمیم کمی برخوردارند.

یکی از مشکلات اساسی آموزش مدیریت در جوامع مختلف، به ویژه در جوامع عقب ننگه داشته شده، این تفکر است که مدیریت امری فطری و ذاتی است. اصولاً این فکر که مدیریت امری ذاتی است و نیاز به آموزش ندارد، فکری نادرست و زیان بار است. درجه‌ی زیان باری آن در مدیریت آموزشی بیشتر از سایر مدیریت هاست.

آنچه ما از مطالعه درباره‌ی انسان، مدیریت و رهبری دریافت می‌کنیم این است که موفقیت در رهبری علاوه بر خصوصیات فردی رهبر، به ویژگی‌های زیردستان یا پیروان، محیط و درک عوامل مؤثر بر همه‌ی آن‌ها مربوط می‌شود.

تاریخچه مدیریت آموزشی در ایران غنی و متنوع است که ریشه‌هایی در اعماق دوران باستان دارد. این بخش مروری تاریخی جامع بر مدیریت آموزشی در ایران ارائه می‌کند که با کاوش در فرهنگستان‌ها و مراکز یادگیری باستان ایرانی که نقشی محوری در شکل‌دهی چشم‌انداز آموزشی منطقه داشتند، آغاز می‌شود. با بررسی روند توسعه مؤسسات آموزشی و نظام‌های مدیریتی در ایران باستان، می‌توان به بینشی از مبانی تاریخی آموزش و پرورش در ایران دست یافت.

ایران باستان که امروزه به نام ایران مدرن شناخته می‌شود، مدت‌ها قبل از دوران عام، مرکز آموزش و دانش بود. فرهنگ فارسی برای آموزش ارزش والایی قائل بود و این احترام به دانش در ایجاد فرهنگستان‌ها و مراکز مختلف یادگیری نمود پیدا می‌کند. یکی از مشهورترین این مؤسسات، فرهنگستان گندی شاپور بود که در زمان امپراتوری ساسانیان (۲۲۴-۶۵۱ میلادی) رونق گرفت. فرهنگستان گندی شاپور که در استان خوزستان کنونی در جنوب غربی ایران قرار دارد، دیگ ذوب دانش بود که علما و روشنفکران را از سراسر منطقه جذب می‌کرد (رحیمیان و سجادی، ۲۰۱۹، ص ۴۲).

فرهنگستان جندی شاپور اغلب به عنوان یکی از اولین الگوهای مدیریت آموزشی در منطقه به شمار می‌رود. این رشته که در زمان شاپور اول تأسیس شد، در ابتدا بر پزشکی متمرکز بود اما بعداً به رشته‌های مختلف دیگر از جمله فلسفه، نجوم و ریاضیات گسترش یافت (شهبازی، ۱۳۹۷، ص ۱۵۶). این گسترش، سازگاری و مدیریت استراتژیک مؤسسات آموزشی در ایران باستان را برجسته می‌کند، جایی که برنامه‌ی درسی برای پاسخگویی به نیازهای در حال تغییر جامعه تکامل یافته است.

ویژگی مدیریت فرهنگستان جندی شاپور رویکرد سیستماتیک آن به آموزش بود. آکادمی به مدارس مختلفی تقسیم شده بود که هر کدام به رشته تحصیلی خاصی اختصاص داشتند. اساتیدی که در فارسی به «استاد» معروفند، وظیفه تدریس و مدیریت مدارس مربوط به خود را بر عهده داشتند (پورعلی، ۱۳۹۹، ص ۷۸). این ساختار سازمانی امکان تمرکز تخصصی بر شاخه های مختلف دانش را فراهم می کرد و مدیریت کارآمد آکادمی را تضمین می کرد.

یکی دیگر از ویژگی های قابل توجه فرهنگستان جندی شاپور کتابخانه آن بود که مجموعه وسیعی از نسخه های خطی و متون را در خود جای داده بود. این کتابخانه نه تنها به عنوان منبعی ارزشمند برای دانشجویان و دانش پژوهان عمل کرد، بلکه اهمیت حفظ و دسترسی دانش را نیز نشان داد (رحیمیان و سجادی، ۱۳۹۸، ص ۴۵). مدیریت کتابخانه گواهی بر تعهد فارسی به انتشار دانش بود.

میراث فرهنگستان جندی شاپور فراتر از مرزهای ایران باستان است. نقشی محوری در انتقال دانش از شرق به غرب داشت و محققان آکادمی متون یونانی، هندی و فارسی را به عربی ترجمه کردند (هاف، ۲۰۲۱، ص ۲۳۵). این تبادل دانش بر توسعه مدیریت آموزشی نه تنها در ایران بلکه در سراسر جهان اسلام تأثیر گذاشت.

فلسفه آموزشی ایران باستان عمیقاً در ارزش های فرهنگی و مذهبی آن زمان ریشه داشت. دین زرتشتی، دین غالب در ایران باستان، بر پی گیری دانش و روشننگری به عنوان یک وظیفه مقدس تأکید می کرد. این نفوذ مذهبی تأثیر بسزایی در مدیریت مؤسسات آموزشی داشت. دانش پژوهان این آکادمی ها اغلب تشویق می شدند که نه تنها برای رشد شخصی بلکه برای بهبود جامعه نیز به دنبال دانش باشند (علوی، ۱۳۹۶، ص ۱۰۲). مدیریت مراکز آموزشی در ایران باستان با ترویج ارزش های اخلاقی و اخلاقی همسو بود.

همچنین، نظام آموزشی فارسی آموزش فردی را در اولویت قرار داد. به عنوان مثال، اساتید آکادمی گندی شاپور به دلیل روش های تدریس شخصی و تعاملی معروف بودند. آنها دانش آموزان را تشویق به مشارکت در تفکر انتقادی و بحث کردند، که محیطی پویا و محرک فکری را پرورش داد (شیرازی و صادقی، ۱۳۹۸، ص ۱۳۴).

علاوه بر دارالفنون جندی شاپور، دیگر مراکز آموزشی برجسته، مانند بیت الحکمه در بغداد، تحت تأثیر فلسفه آموزشی و شیوه های مدیریت فارسی قرار گرفتند. این مؤسسات سنت ترویج دانش، تحقیق و تبادل افکار را ادامه دادند و میراث ماندگار آموزش فارسی را بیشتر مستحکم کردند (هاف، ۲۰۲۱، ص ۲۳۹).

انحطاط فرهنگستان جندی شاپور و دیگر فرهنگستان های ایرانی را می توان به عوامل مختلف تاریخی از جمله بی ثباتی سیاسی، تهاجمات و گسترش اسلام در منطقه نسبت داد. با این حال، میراث این مؤسسات پابرجا ماند و بسیاری از ایده ها و عملکردهای آنها در نظام آموزشی نوظهور اسلامی جذب شد.

در شرایط معاصر، ایران شاهد احیای نظام آموزشی و شیوه های مدیریتی خود بوده است. دوران پهلوی (۱۹۲۵-۱۹۷۹) با تلاش برای نوسازی نظام و افزایش دسترسی به آموزش، دوره ای از اصلاحات مهم آموزشی را رقم زد (فراهانی، ۱۳۹۷، ص ۶۹). جمهوری اسلامی ایران که در سال ۱۹۷۹ تأسیس شد، به توسعه و انطباق نظام مدیریت آموزشی با تأکید بر ارزش های اسلامی و هویت فرهنگی ادامه داده است (حاجی حسنی، ۱۳۹۹، ص ۵۷).

فرهنگستان ها و مراکز آموزش باستان ایرانی، به ویژه فرهنگستان جندی شاپور، نقش مهمی در شکل گیری چشم انداز مدیریت آموزشی ایران داشتند. تعهد آنها به حفظ دانش، ساختارهای مدیریتی سازماندهی شده و پایبندی به ارزش های زمانه خود اثری محو نشدنی در تاریخ آموزش و پرورش منطقه گذاشت. این مرور تاریخی به عنوان پایه ای برای درک سیر تحول مدیریت آموزشی در ایران عمل می کند و اهمیت پایدار دانش، فرهنگ و اخلاق در مدیریت مؤسسات آموزشی را برجسته می کند.

عصر طلایی اسلامی که تقریباً از قرن هشتم تا سیزدهم میلادی را در بر می گیرد، دوره ای از پیشرفت های فرهنگی، علمی و آموزشی چشمگیر در جهان اسلام از جمله ایران بود. در این دوران، تمدن اسلامی سهم بسزایی در زمینه های مختلف دانش داشت که تأثیر عمیقی بر مدیریت آموزشی ایران گذاشت. این بخش به تحولات آموزشی و شیوه های مدیریتی دوران طلایی اسلامی در بافت تاریخی ایران می پردازد و بر تأثیر ماندگار این دوره بر چشم انداز آموزشی منطقه تأکید می کند.

یکی از برجسته‌ترین مؤسساتی که در دوران طلایی اسلامی نقش محوری در اشاعه دانش داشت، بیت الحکمه در بغداد بود که ارتباطات قوی با ایران داشت (اسماعیل، ۱۳۹۰، ص ۷۸). بیت الحکمه به عنوان یک مرکز عمده برای دانش پژوهی، ترجمه و تحقیق عمل می کرد، جایی که دانشمندان ایرانی، عرب و سایرین برای ترجمه و حفظ متون یونانی، هندی و فارسی باستان همکاری می کردند. این آثار ترجمه شده نه تنها مجموعه دانش موجود را گسترش دادند، بلکه با معرفی مواد درسی و روش‌های آموزشی جدید، بر مدیریت آموزشی در ایران تأثیر گذاشتند.

ویژگی مدیریت آموزشی بیت الحکمه تعهد به یادگیری بین رشته ای و انتشار دانش بود. محققان با پیشینه‌های مختلف تشویق شدند تا در تحقیق شرکت کنند و یافته‌های خود را به اشتراک بگذارند و محیط تبادل فکری را تقویت کنند (الساوی، ۲۰۱۸، ص ۲۳۵). شیوه‌های مدیریت بیت الحکمه موجب ارتقای همکاری‌ها شد که به عنوان الگویی برای مؤسسات آموزشی در ایران و جهان اسلام بود.

عصر طلایی اسلامی شاهد نوآوری‌های متعددی در توسعه برنامه‌های درسی و رویکردهای آموزشی بود. دانشمندانی از ایران، مانند فارابی و ابن سینا (ابن سینا)، در زمینه‌هایی مانند فلسفه، پزشکی و ریاضیات مشارکت قابل توجهی کردند (ارجمند، ۱۳۹۹، ص ۱۶۷). کارهای آنها نه تنها باعث پیشرفت این رشته‌ها شد، بلکه با معرفی حوزه‌های موضوعی و روش‌های جدید، بر مدیریت آموزشی نیز تأثیر گذاشت.

به عنوان مثال، فارابی به طور گسترده در مورد اخلاق و فلسفه سیاسی نوشت و به مسائل حاکمیت و رهبری پرداخت (ذاکری، ۱۳۹۸، ص ۴۷). ایده‌های او زمینه را برای بحث در مورد رهبری و مدیریت آموزشی در ایران و فراتر از آن فراهم کرد. گنجاندن اخلاق و فلسفه در برنامه درسی برای پرورش رهبران خوب و با فضیلت ضروری تلقی می شد، دیدگاهی که هنوز مدیریت آموزشی در ایران را آگاه می کند.

ابن سینا، یک دانشمند ایرانی، کمک‌های عمیقی به پزشکی کرد و پایه‌های مطالعه بدن انسان و عملکردهای آن را پی ریزی کرد (کامراوا، ۲۰۲۱، ص ۸۹). فعالیت‌های پیشگام او در پزشکی بر توسعه آموزش پزشکی و مدیریت مراقبت‌های بهداشتی در ایران تأثیر گذاشت. تأکید ابن سینا بر مشاهدات تجربی و پزشکی مبتنی بر شواهد تأثیر ماندگاری بر آموزش پزشکی گذاشت.

در دوران طلایی اسلامی، فرمانروایان ایرانی، به ویژه خلفای عباسی، نقش بسزایی در ترویج مؤسسات علمی و آموزشی داشتند. خلفا حامی علما بودند و برای تأسیس و نگهداری کتابخانه‌ها، فرهنگستان‌ها و رصدخانه‌ها حمایت مالی و منابع می‌کردند (رادکانی و انصاری، ۱۳۹۶، ص ۱۲۳). این حمایت شاهانه از آموزش و پژوهش تأثیر عمیقی بر مدیریت مؤسسات آموزشی در ایران گذاشت.

حمایت حاکمان ایرانی به نهضت ترجمه نیز گسترش یافت و منابعی برای ترجمه متون خارجی به عربی و فارسی اختصاص یافت. این ابتکار برنامه درسی مؤسسات آموزشی در ایران را گسترش داد و دانش آموزان را در معرض طیف وسیع تری از دانش قرار داد (ساروخانی، ۱۳۹۹، ص ۵۶). مدیریت این مؤسسات باید با تنوع فزاینده موضوعات و منابع سازگار می‌شد.

کمک های دوران طلایی اسلامی به مدیریت آموزشی در ایران چند وجهی بود و بر توسعه برنامه درسی، رویکردهای آموزشی و سازماندهی مؤسسات آموزشی تأثیر گذاشت. بیت الحکمه در بغداد، تلاشهای علمی مشاهیر ایرانی و حمایت حاکمان پارسی، همگی نقشهای محوری در شکل دادن به منظر آموزشی ایران در این دوره دگرگون داشتند. این تأثیرات همچنان در شیوه های مدیریت آموزشی معاصر در ایران طنین انداز می‌شود و بر میراث ماندگار عصر طلایی اسلامی تأکید می‌کند.

تحولات دوران قاجار و پهلوی

توسعه تاریخی مدیریت آموزشی در ایران از دوران باستان فراتر رفته و تا دوران اخیر ادامه دارد. دوران قاجار و پهلوی مراحل مهمی در تحول مدیریت آموزشی در کشور است. در این دوره‌ها، ایران شاهد تغییرات قابل توجهی در سیاست‌های آموزشی، زیرساخت‌ها و سیستم‌های مدیریتی بود که تأثیر ماندگاری بر چشم‌انداز آموزشی کشور داشت. این بخش به بررسی عمیق تحولات آموزشی در دوران قاجار و پهلوی می‌پردازد و مدیریت مؤسسات آموزشی و سیاست های مرتبط با آن را روشن می‌کند.

سلسله قاجار که از سال ۱۷۸۹ تا ۱۹۲۵ بر ایران حکومت می‌کرد، با تلاش برای مدرن کردن جنبه های مختلف جامعه، از جمله آموزش، مشخص شد. حاکمان قاجار به ضرورت اصلاح نظام آموزشی برای همگامی با پیشرفت های جهانی پی بردند. در این

دوران تحولات کلیدی متعددی در مدیریت آموزشی رخ داد، از جمله تأسیس اولین مدارس مدرن در ایران (احمدی، ۱۳۹۵، ص ۱۱۲).

یکی از تغییرات قابل توجه مدیریت آموزشی در دوره قاجار، تمرکز اختیارات آموزشی بود. دولت شروع به اعمال کنترل بیشتر بر مؤسسات آموزشی کرد و مقاماتی را برای نظارت بر توسعه برنامه درسی و تربیت معلم منصوب کرد (زندى، ۱۳۹۶، ص ۴۸). این تمرکز نشان دهنده تغییر قابل توجهی از ساختارهای مدیریت غیرمتمرکز دوره های قبلی است.

در دوره قاجار نیز شیوه های نوین آموزشی متأثر از الگوهای اروپایی مطرح شد. مدارس جدیدی مانند دارالفنون (خانه علوم) برای ارائه آموزش مدرن که شامل طیف وسیعی از موضوعات بود، تأسیس شد. این نقطه عطفی در مدیریت مؤسسات آموزشی بود، زیرا برنامه های درسی برای آماده سازی دانش آموزان برای چالش های معاصر طراحی شده بود (نصیری، ۱۳۹۰، ص ۷۶).

دوران پهلوی، تحت حکومت رضاشاه (۱۹۲۵-۱۹۴۱) و پسرش محمدرضا شاه (۱۹۴۱-۱۹۷۹)، شاهد دگرگونی سیستماتیک و ریشه ای تر در نظام آموزشی ایران بود. هدف رضاشاه نوسازی و متمرکز کردن جنبه های مختلف جامعه ایران از جمله آموزش بود. این دوره با یک سری اصلاحات آموزشی و تغییرات مدیریتی مشخص می شود.

یکی از مهم ترین تغییرات، ارائه یک سیستم آموزشی یکپارچه و استاندارد بود. دولت رضاشاه یک سیاست آموزشی جامع را به اجرا گذاشت که یک برنامه درسی متمرکز، کتاب های درسی استاندارد و برنامه های آموزشی یکسان معلم را ایجاد کرد (سعادت، ۱۳۹۸، ص ۹۲). مدیریت این سیستم متمرکز نیازمند برنامه ریزی و هماهنگی دقیق برای اطمینان از اثربخشی آن بود.

دوران پهلوی نیز شاهد تأکید بر گسترش زیرساخت های آموزشی بود. مدارس و دانشگاه های متعددی در سراسر کشور ساخته شد و دسترسی به آموزش را افزایش داد (کاظمی، ۱۳۹۷، ص ۱۲۴). مدیریت مؤثر در نظارت بر ساخت و اداره این مؤسسات بسیار مهم بود.

علاوه بر این، دوران پهلوی با سیاست‌هایی که مشارکت زنان را در نظام آموزشی ترویج می‌کرد، بر آموزش زنان تأکید زیادی داشت. این امر مستلزم انطباق مدیران آموزشی با

چالش های جدید مربوط به شمول جنسیتی و دسترسی برابر بود (کاظمی، ۱۳۹۷، ص ۱۳۲).

دوران قاجار و پهلوی، لحظات مهمی در تاریخ مدیریت آموزشی ایران است. در دوران قاجار، ایران از نظام آموزشی سنتی به رویکردهای مدرن تر و متمرکزتر گذر کرد. در مقابل، دوران پهلوی دوره‌ای از دگرگونی شدید را رقم زد که مشخصه آن برنامه‌های درسی استاندارد، افزایش دسترسی و گنجاندن زنان در نظام آموزشی بود.

این تحولات زمینه ساز مدیریت آموزشی معاصر در ایران شد. تلاش‌های دوران قاجار و پهلوی برای مدرن‌سازی و متمرکز کردن آموزش همچنان بر سیاست‌ها و شیوه‌های آموزشی کشور تأثیر می‌گذارد. درک این تحولات تاریخی برای درک تحول مدیریت آموزشی در ایران ضروری است.

اصلاحات آموزش و پرورش پس از انقلاب

انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ نقطه عطف مهمی در تاریخ ایران بود که منجر به تحولات عمیقی در ابعاد مختلف جامعه از جمله نظام آموزشی شد. این بخش با تحلیلی عمیق از اصلاحات آموزش و پرورش پس از انقلاب در ایران، به بررسی تحول مدیریت آموزشی و سیاست‌های پس از انقلاب می‌پردازد. با درک تحولات نظام آموزشی ایران پس از انقلاب، بینش‌هایی در مورد تعامل پیچیده ایدئولوژی، سیاست و مدیریت آموزشی به دست می‌آوریم.

انقلاب اسلامی تحولی اساسی در نظام آموزشی ایران ایجاد کرد. هدف دولت جدید با هدایت اصول اسلامی و دیدگاه آیت الله خمینی، ایجاد یک نظام آموزشی بود که ریشه محکمی در ارزش‌های اسلامی داشته باشد. این تحول ایدئولوژیک تأثیر بسزایی در مدیریت آموزشی داشت (مجیدی، ۱۳۹۶، ص ۸۲).

یکی از تغییرات اساسی در مدیریت آموزشی، جایگزینی برنامه درسی سکولار با برنامه اسلامی بود. کتاب‌های درسی برای همسویی با آموزه‌های اسلامی بازنگری شدند و موضوعات دینی در برنامه درسی اهمیت بیشتری یافتند (رضوانی، ۱۳۹۹، ص ۱۰۵). این تغییر مستلزم بازآموزی معلمان و مربیان برای انطباق با محتوا و ارزش‌های آموزشی جدید بود که چالش‌های مدیریتی چنین تحول بنیادی را نشان می‌دهد.

همچنین دولت مفهوم «بسیج» را در مدارس معرفی کرد، سازمانی شبه نظامی که هدف آن ترویج ارزش‌های انقلابی و اسلامی در بین دانش‌آموزان بود (زند، ۱۳۹۷، ص ۱۳۲). ادغام بسیج در نظام تعلیم و تربیت یک حرکت راهبردی در مدیریت جنبه‌های عقیدتی آموزش و پرورش بود. این به عنوان مکانیزمی برای نظارت و اطمینان از انطباق با ایدئولوژی آموزشی جدید عمل کرد.

علاوه بر تغییرات ایدئولوژیک، ایران پس از انقلاب شاهد اصلاحات ساختاری قابل توجهی در بخش آموزش بود. مدیریت مؤسسات آموزشی با تأسیس وزارت آموزش و پرورش که جایگزین وزارت آموزش و پرورش و آموزش عالی قبلی شد، دچار تحول شد. این تجدید ساختار با هدف ارائه رویکرد متمرکزتر به مدیریت آموزشی بود (صادقی، ۱۳۹۸، ص ۷۳).

دولت همچنین کمپینی را برای گسترش دسترسی به آموزش، به ویژه در مناطق روستایی و محروم آغاز کرد. این امر مستلزم مدیریت مؤثر منابع از جمله ساخت مدارس جدید و تربیت معلم بود (مهرانی، ۱۳۹۷، ص ۸۸). مدیریت این گسترش با توجه به منابع محدود موجود و نیاز به تضمین آموزش با کیفیت، یک چالش اساسی بود.

اصلاح ساختاری دیگر، سازماندهی مجدد نظام آموزش عالی بود. جمهوری اسلامی با ایجاد تغییراتی در برنامه‌های درسی و جذب هیئت علمی به دنبال اسلامی کردن مؤسسات آموزش عالی بود (شیروانی، ۱۳۹۸، ص ۶۴). این امر نه تنها شامل بازتعریف مدیریت دانشگاه‌ها می‌شود، بلکه شامل انتخاب و انتصاب مدیرانی می‌شود که با دیدگاه آموزشی جدید همسو باشند.

اصلاحات آموزش و پرورش پس از انقلاب در ایران به سیستم مدرسه و دانشگاه محدود نشد. دولت سیاست‌های مختلفی را با هدف رسیدگی به جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی آموزش و پرورش ارائه کرد. به عنوان مثال، تفکیک جنسیتی به عنصر مرکزی مدیریت آموزشی تبدیل شد و بر برنامه درسی و امکانات مدرسه تأثیر گذاشت (احمدی و مشرف، ۲۰۲۱، ص ۱۱۴). این سیاست بازتابی از رویکرد محافظه کارانه دولت به مسائل اجتماعی بود.

مدیریت تشکل‌ها و انجمن‌های دانشجویی نیز دستخوش تغییرات قابل توجهی شد. تشکل‌های دانشجویی که نقش برجسته‌ای در دوران پیش از انقلاب داشتند، برای